



کوروش ایران در تاویل
قرآن کریم

جلیل ملا جوادی

◀ نام کتاب	: کوروش ایران در تاویل قرآن کریم
◀ مؤلف	: جلیل ملاجوادی
◀ ناشر	: انتشارات یاوریان
◀ چاپ	: دانش پژوه
◀ صحافی	: آرتمین
◀ لیتوگرافی	: رضا
◀ طراحی جلد	: سید علی حسینی
◀ صفحه آرا	: رضا صفری تازه کند
◀ نویت چاپ	: اول ۱۳۹۰
◀ تیراژ	: ۳۰۰۰
◀ قیمت	: ۲۰۰۰۰ ریال
◀ شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۶۲-۳۱-۰



انتشارات یاوریان

سرشناسه: ملاجوادی، جلیل، ۱۳۵۰-
عنوان و نام پدید آور: کوروش ایران در تاویل قرآن کریم/
جلیل ملاجوادی
مشخصات نشر: اردبیل: یاوریان، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری: [۹۲] ص. مصور
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۶۲-۳۱-۰
پادداشت: فیبا
پادداشت: کتنامه: ص ۹۲
موضوع: تاویل
موضوع: قرآن
موضوع: آیات دولقرآن
رده بندی کنگره: ۸۸ ت ۸۸ / ۲۸۱۲ / ۲۸۱۲
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۲۱۷

کلیه حقوق قانونی و مادی و معنوی برای مؤلف و ناشر محفوظ است

هراکثر پخش:

۱- اردبیل، میدان شریعتی، خیابان امام خمینی، جنب بانک رفاه مرکزی، انتشارات یاوریان ۲۳۵۱۴۲۴-۲۳۳۹۳۱۹-۴۵۱۰

۲- اردبیل، روبه روی پادگان شهید چمران، پلاک ۶۸۰، مؤسسه پژوهش های قرآن و عترت تسنیم ۷۷۱۴۴۱۰-۷۷۱۴۱۳۶-۴۵۱۰

۳- کانون های فرهنگی هنری مساجد خانه های نور و مؤسسات قرآنی

مقدمه:

در این مجموعه پیرامون ۱۶ آیه از سوره کهف از دو منظر سخن رفته ، منظر اول نگاه تفسیری و ظاهری است که به کوتاهی سخن گفته و به اشتیاق منظر بعدی به سرعت گذر کرده ایم .

در منظر دوم که نگاه عمیق و تأویلی است به تفصیل حرف زده و با دقتی توأم با احتیاط از بزرگان این عرصه ، شاهد آورده ایم . اصل ماجرا در این نگاه دومی است که به مصداق «مستی در پیاله دوم است» آنگاه که قصه بر سر پیام قصه باشد ، پرتوی از انوار آیه شریفه « فَأَقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ » صورت تجلی می یابد .

و سلام و درود بر محمد مصطفی (ص) ، قافله سالار و فخر جهان

امید آنکه مورد قبول واقع شود

جلیل ملاجودی (حافظ امین) / زمستان ۱۳۸۹

دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل

گروه الهیات و معارف اسلامی

آیات ۸۴ تا ۹۸ از سوره کهف در قرآن کریم ، ماجرای ذوالقرنین است که طبق بیان آن آیات ، شرق و غرب عالم را درنور دیده و در بین دو کوهی با استمداد قومی که از قوم دیگر بنام یاجوج و ماجوج شاکی و هراسان بودند ، به ایجاد سد محکمی پرداخته و زندگی آن قوم را حفظ کرده است .

مفسرین دریافته‌اند که به ازاء تاریخی این شخصیت اختلاف آراء دارند برخی بر آنند که ذوالقرنین مندرج در این آیات همان اسکندر مقدونی معروف است مفسرانی مثل طبری ، فخر رازی و محققانی مثل ابوریحان و ابن خلدون و از معاصرین دکتر سید حسن مصطفوی و مرحوم عماد زاده بر این رای و نظرند . برخی دیگر هم ذوالقرنین را همان کوروش کبیر می دانند . ابوالکلام آزاد و علامه طباطبایی بر این قول اند و از معاصرین هم پرفسور طاهر رضوی و دکتر بدره ای برای اثبات این قول استدلال نموده اند .

علاوه بر این دو مصداق ، مصادیق دیگری هم گفته شده مثل « تسن چی هوانگ تی » بزرگترین پادشاه چین که به لحاظ کم اهمیت بودن و خارج از موضوع اصلی مقاله بودن از پرداختن به آنها خودداری شده و از باب نتیجه گفته می شود که دلایل و شواهد محققین در عینیت دادن ذوالقرنین به کوروش کبیر بسیار قابل انطباق با آیات است و در مقایسه با آراء دیگران واجد شواهد تاریخی بیشتری است لذا بعید نیست که از منظر تفسیر ، ذوالقرنین قرآن همان کوروش کبیر باشد . اما هدف اصلی مقاله حاضر بیان پرتوی از تاویل آیات مربوط است که پر واضح است که از منظر تاویل سخن از گونه دیگری است .

محققینی از اهل تاویل ، مثل ابن عربی در تاویل آیات مورد بحث ، ذوالقرنین را نه یک شخص مدفون در تاریخ گذشته بلکه به عنوان حجت حق و انسان هادی

عصر در هر زمان و مکان معنا کرده اند و بر همین اصل، کل داستان را از حالت انجماد تاریخی در آورده اند و نشان داده اند که ذوالقرنین، آن حجت خدا بر خلق است که در هر عصری ظهور و حضور دارد و با ارائه طریق و دستور العمل سلوکی با ساختن سد محکمی از ملکه تقوا، نفخه ی ملکوتی الهی را در نهاد انسان شکوفا می سازد و از گزند و آسیب شیاطین و وساوس نفسانی و قواهای شهوانی که فساد گرند، حفظ می کند. روایاتی از بزرگان دین هم در تسدید و تائید قول متین اهل تأویل وجود دارد. پس ذوالقرنین، آن انسان کامل و حجت خدا در هر عصری است که هم تمکن و قدرت معنوی دارد و هم امور ارشاد خلق خدا به او محول شده است. لذا از منظر تأویل، ذوالقرنین نه به هیات شخص مطرح در تاریخ گذشته بلکه به وجود الهی ولی خدا و حجت حق در هر عصری تأویل و تعبیر می شود که با حضور مؤثر و ظهور نورانی خود امر هدایت خلق خدا را بعهده می گیرد. به چنین شخصی باید اقتدا کرد تا از حملات و همزات شیاطین و وساوس نفسانی محفوظ ماند و براساس دستورالعمل او بر شیاطین فائق آمد. آیه نود از سوره ی انعام شاهد مدعاست:

﴿ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ فَبِهِدَّتْهُمْ آفَتُهُ ﴾

«اینان را خداوند هدایت کرده پس به هدایتشان اقتدا کن»

البته از منظر دیگر می توان گفت: قوه عاقله، بسان ذوالقرنین قوه مقتدر در عرصه وجود نوع انسانی است که در سراسر وجود شخص سیر می کند و از جهان طبیعت و ماده تاریک (مغرب الشمس) او می گذرد و به محل طلوع خورشید عقل شخص (مطلع الشمس) می پردازد و در نهایت بین این دو (جهان طبیعت و سرای مجردات) با ساختن سد محکمی از شریعت و دین، فضایل اخلاقی را از گزند و آسیب قوای نفسانی و شیاطین حفظ می کند.